



مسئولیت کیفری دولت‌ها در صدمات ناشی از ریزگردها

مهدی چگنی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۷

چکیده

زمینه و هدف: شیوع پدیده ریزگردها در برخی از مناطق جهان، صدمات، بیماری‌ها و مرگ‌ومیرهای انسان‌ها و گونه‌های جانوری ناشی از آن، جنبه فراملی به خود گرفته، به حدی که اختلال در زندگی انسان‌ها موجب بررسی این پدیده از مناظر مختلف بیولوژیکی، جغرافیایی، بهداشتی و پزشکی شده است. هدف از این مقاله، بررسی مسئولیت کیفری دولت‌ها در صدمات ناشی از ریزگردهاست. **روش:** روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی-توصیفی است. روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای-اسنادی است و در آن از اسناد و سایر منابع دست‌اول، کتب و مقالات و منابع اینترنتی، استفاده شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد برای مسئولیت کیفری دولت، باید ابتدا به ذات رفتار دولت که منجر به نتیجه مجرمانه شده است توجه کرد؛ به این ترتیب که بین عمل ناشی از اعمال حاکمیت دولت و اعمال تصدی‌گری آن باید تفکیک قائل شد، چنانچه بین صدمه (اعم از جانی یا مالی) ناشی از ریزگردها و رفتار دولت (اعم از فعل یا ترک فعل) در ایجاد، تشدید یا عدم ممانعت از ایجاد یا کاهش ریزگردها رابطه سببیت وجود داشته باشد، دولت از نظر کیفری مسئول صدمات ناشی از ریزگردها است. اگر رابطه سببیت بین رفتار دولت و صدمات کامل باشد، به این ترتیب که ثابت شود صدمه ناشی از ریزگرد بوده و ریزگرد نیز ناشی از رفتار دولت بوده است، جنایت یا جرم مستند به دولت است؛ به شرط اینکه رابطه سببیت توسط عامل عمدی مانند رفتار عمدی مجنی‌علیه یا عدم توجه به خطرات دولت برای ترک فوری منطقه، قطع نشود.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت کیفری، ریزگرد، دولت، تقصیر جزایی.

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی، Mahdi.chegeni@abru.ac.ir

مقدمه

چند سالی است پدیده ریزگردها به دغدغه‌ای همگانی در سطح بین‌المللی تبدیل شده و بررسی‌های میدانی فراوانی برای مقابله و شناخت منبع آن‌ها انجام شده است. این پدیده مجموعه‌ای است از گردوغبار، دود و دیگر ذره‌های خشک معلق در هوا که باعث کدر شدن آسمان می‌شوند (شایان، ۱۳۸۴: ۳۹). خاستگاه ریزگردها، آلاینده‌های صنعتی، آمدوشد خودروها، آتش‌سوزی جنگل‌ها، گسترش بیابان‌ها، شخم زدن زمین در آب‌وهوای خشک و غیره است. مدیریت ناصحیح منابع آبی، ایجاد سدهای متعدد (بدون در نظر گرفتن پیامدهای زیست‌محیطی آن‌ها)، فعالیت‌های صنعتی دولت به‌ویژه در بحث استخراج نفت در تالاب‌های بین‌المللی و تأسیس کارخانه‌های صنعتی بزرگ نظیر مس و فولاد در نواحی کویری و انتقال آب‌های جاری کشور به این مناطق نیز موجب تشدید و گسترش این پدیده شده است. پدیده ریزگرد مختص یک منطقه خاص و محدود در یک نقطه از جهان نیست و در نقاط مختلفی از جهان، نمونه‌های متعددی از این پدیده مشاهده شده است. فعالیت‌های انسانی، نقش پررنگی در ایجاد ریزگردها دارد. اما تحقیقات دانشمندان نشان می‌دهد علاوه بر فعالیت‌های انسانی در مناطق مختلف، تغییرات آب‌وهوایی در کل کره زمین نیز می‌تواند بر این پدیده تأثیرگذار باشد. فعالیت‌های سدسازی و در پی آن خشک شدن تالاب‌های پایین‌دست، پررنگ‌ترین نقش را در تقویت منابع ریزگردها دارد. علاوه بر این بهره‌کشی بی‌رویه از منابع طبیعی و مدیریت نامناسب و یک‌سوی‌گرانه بر این منابع و همچنین رهاسازی زمین‌های کشاورزی که فرسایش خاک را در پی دارد، از جمله فعالیت‌های انسانی هستند که سبب طوفان‌های ریزگردی می‌شوند. کشاورزی سنتی، چرای بیش‌از حد دام و عدم استفاده از سیلاب‌ها، همه دست‌به‌دست هم می‌دهند که زمین‌های بارور از میان رفته و جای خود را به بیابان‌هایی جدید بدهند و پدیده ریزگردها را تشدید کنند. هرچند خسارات ناشی از ریزگردها بسیار بر محیط‌زیست تأثیر می‌گذارد، اما متأسفانه در قواعد و مقررات بین‌المللی مربوط به حفاظت از محیط‌زیست کمتر دیده می‌شود (حیدرزاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۶).

بررسی اخبار جهات نشان می‌دهد دولت‌های بزرگ و بعضاً نیروهای نظامی آنان بدون در



نظر گرفتن شرایط اقلیمی و زیستی مناطق، اقدام به آزمایش انواع سلاح‌های نظامی مخرب و ناشناخته کرده‌اند که بعضاً موجب برهم زدن تعادل اکولوژیکی منطقه و به دنبال آن افزایش پدیده ریزگرد و آلودگی‌های زیست‌محیطی خواهند شد. چیزی که امروزه ابرقدرت‌ها با توانایی‌های خود حتی مانع از انجام تحقیقات در این زمینه شده‌اند و به واقع نمی‌توان این جهت را اثبات کرد. این سلاح‌ها در واقع سلاح‌های کشتار جمعی با قابلیت‌های فراوان می‌باشند که نه تنها محیط زیست یک منطقه، بلکه محیط انسانی را نیز نابود خواهند کرد. اما مسئله اصلی مقاله حاضر این است که عوامل ایجاد کننده مسئولیت کیفری دولت در صدمات ناشی از ریزگردها چیست؟ و شرایط مسئولیت کیفری دولت‌ها در قبال پدیده ریزگردها چیست؟ پژوهش حاضر بر آن است تا پاسخی مستدل و مستند برای ابهامات و سؤالات موجود در این زمینه بیابد.

در این بخش، در ابتدا به بیان مفاهیم و تعاریف متغیرهای پژوهش پرداخته شده و انواع و ابعاد هریک از این متغیرها در راستای دستیابی به نتایج متقن و قابل استناد برای فعالان نظام عدالت کیفری و قانون‌گذار تبیین می‌شوند تا در صورت امکان با تقنین مناسب در این حوزه، قانون‌گذار مانع تشدید این پدیده مرگبار شود و از سوی دیگر، قضات محترم محاکم بتوانند در پرونده‌های مرتبط با ریزگردها دقیق‌تر رأی صادر کنند.

مسئولیت کیفری: در فرهنگ لغات، مسئولیت به معنی مورد سؤال قرار گرفتن و به مفهوم تکلیف و وظیفه و آنچه انسان عهده‌دار آن باشد، تعریف شده است. در لغتنامه‌های عربی، مسئولیت به معنی قابل بازخواست و مسئول به معنی قابل جواب آمده است (طریحی، ۱۴۱۶: ۲۴۱). همچنین، در فرهنگ فارسی معین، مسئول به معنی چیزی خواهش شده، کسی که فریضه‌ای بر دمه دارد که اگر عمل نکند از او بازخواست شود و مسئولیت به معنی مسئول بودن و موظف بودن به انجام امری آمده است (معین، ۱۳۸۸: ۱۰۰۲). در فرهنگ فارسی عمید نیز «مسئولیت» عبارت است از آنچه انسان عهده‌دار و مسئول آن باشد و مسئول به معنی پرسیده شده و خواسته شده آمده است (عمید، ۱۳۹۱: ۱۱۲۴).

در مورد مسئولیت کیفری، قانون‌گذار تعریفی از آن ارائه نداده است و در کتب حقوقی نیز نویسندگان بر سر آن اتفاق نظر ندارند. در رابطه با تعاریف ارائه شده از سوی حقوق دانان

راجع به مسئولیت کیفری، بیشتر این تعاریف را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد: مسئولیت کیفری عبارت است از «قابلیت یا اهلیت» شخصی برای تحمل تبعات جزایی رفتار مجرمانه خود و «التزام یا مجبور بودن» شخص نسبت به تحمل تبعات جزایی. بنابراین، برای تحقق مسئولیت کیفری سه شرط، اهلیت، تحمل آثار مجازات و امکان تحمیل مجازات بر مجرم نیاز است. با این توضیحات، برای مسئولیت کیفری دو چهره ترسیم کرده‌اند که نوع اول «مسئولیت انتزاعی» و نوع دوم «مسئولیت واقعی» است (رنجبر، ۱۳۹۶: ۱۵).

دولت: هیچ اجماع علمی بر روی یک تعریف جامع و مناسب از دولت وجود ندارد. از منظر حقوقی، دولت واحدی است که ویژگی‌های جمعیت، حکومت، سرزمین و حاکمیت را داشته باشد (مسهودنیا و محمدی‌فر، ۱۳۹۷: ۱۸). از منظر سیاسی، دولت بر پایه کمال مطلوب فیلسوفان قرار ندارد، بلکه بر واقعیت‌هایی استوار است که در گذشته، اکنون و آینده وجود دارند. در این تعریف، گفته می‌شود که جامعه، از صورت‌بندی‌های بسیار ساده آن تا گونه‌های بسیار پیچیده‌اش، بر پایه تغییرات نظام تولید رشد یافته است. مفهوم حکومت می‌تواند متمایز از مفهوم دولت باشد. حکومت گروهی مشخص از مردم و دیوان‌سالاران اداری است که وظیفه اداره کردن کارهای دولت‌ها را در دوره‌ای که به آن‌ها اختصاص دارد بر عهده دارند. با این اوصاف می‌توان گفت که حکومت‌ها ابزاری هستند که قدرت دولت از طریق آن‌ها به کار بسته می‌شود. دولت‌ها توسط حکومت‌های مختلفی که از پی هم می‌آیند، اداره می‌شوند (وینسنت، ۱۳۷۶: ۵۷).

ریزگرد: ریزگرد^۱ پدیده‌ای جوی و متشکل از گردوغبار، دود و دیگر ذره‌های خشک معلق در هواست که باعث کدر شدن آسمان می‌شوند. خاستگاه ریزگرد، آلاینده‌های صنعتی، آلوده‌شدن خودروها، آتش‌سوزی جنگل‌ها، گسترش بیابان‌ها، شخم زدن زمین در آب‌وهوای خشک و غیره است. ریزگرد اغلب زمانی رخ می‌دهد که ذرات گردوغبار و دود در هوای خشک افزایش یابد. ریزگردها که عمدتاً ناشی از طوفان‌های گردوغبار و محصول مستقیم توسعه ناپایدار خصوصاً در خاورمیانه که تا حدود زیادی نیز به جنگ‌های سه دهه اخیر و مداخلات نادرست انسان‌ها در اکوسیستم‌های منطقه مربوط می‌شود. اما به‌طور کلی، خشکسالی،

1. Micro Dust



تخریب اراضی در نتیجه جنگ‌ها، احداث سد بر روی رودخانه‌ها، کشت غیراصولی و کاهش پوشش گیاهی منطقه را می‌توان ۵ دلیل اصلی تشکیل ریزگردها به شمار آورد (خالدی، ۱۳۹۲: ۲۸).

اصول حاکم بر حقوق محیط‌زیست

اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست عموماً از طریق روابط بین‌المللی و به وسیله رویه قضایی بین‌المللی وارد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شده‌اند. یکی از علل طرح این اصول، توسعه صنعتی و فناوری کشورهای جهان و صدمه و بروز خسارات فرامرزی جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست بین‌المللی و متعاقب آن شیوع اختلافات بین‌الدولی است. این موضوع سبب شده است که اصول مورد بررسی از حالت نرم^۱ خارج شده و از مسیر مراجع حقوقی بین‌المللی (غالباً) به اصولی مهم و قاعده‌مند تبدیل شوند. شایان ذکر است که بخش اعظم توجه به مسائل محیط‌زیستی و شناسایی اصول مزبور، مرهون توجه کشورهای به راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی به جای توسل به زور است که خود وامدار پیمان پاریس^۲ ۱۹۲۸ و منشور ملل متحد^۳ است. بنابراین، نقش راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی و به‌ویژه دیوان‌های داوری و قضایی بین‌المللی در توسعه و بسط حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بی‌بدیل و انکارناپذیر است.

به هر روی، یکی از دغدغه‌های مهم و اساسی قرن حاضر، بروز و گسترش آلودگی‌های مخرب و فرامرزی و تخریب قابل توجه محیط‌زیست جهانی است که همچون میراثی گران‌بهاست. در حدی که علاوه بر اسناد مختلف درباره شناسایی و حتی مسئولیت بین‌المللی کشورها در موارد نقض تعهدات محیط‌زیستی در برابر ورود زیان و انواع آلودگی‌ها بر کشورهای مجاور، مسئله محیط‌زیست بین‌المللی به درجه‌ای از توجه رسیده است که در چارچوب اصل پیشگیری حتی با ضمانت اجرای کیفری حمایت شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱).

1. Soft Law

۲. این پیمان به بریان-کلوگ (Briand-kllog) مرسوم است.

۳. بند ۳ از ماده ۲ منشور ملل متحد اشعار می‌دارد: «کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با شیوه‌های مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، حل و فصل خواهند کرد.

اصل توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل: اندیشه توسعه پایدار سابقه چندان در حقوق بین‌الملل ندارد. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد «کمیسون جهانی محیط‌زیست و توسعه» را تشکیل داد که در آن، سندی تأثیرگذار به نام «آینده مشترک ما» توسط گرهالمبرونتلند^۱ نخست‌وزیر وقت نروژ، ارائه شد. این گزارش خواستار توسعه پایدار به عنوان مبنای هر فعالیت اقتصادی انسانی با تمرکز بر نگرانی جدی نسبت به محیط‌زیست و پیوند آن با تلاش برای بالا بردن سطح زندگی فقرا در جهان بود (آلن بویل^۲، ۲۰۰۱: ۱). به این ترتیب، توجه به توسعه پایدار از دهه هشتاد میلادی به این سو به یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه بین‌المللی تبدیل شد و پس از ارائه گزارش نهایی برونتلند در سال ۱۹۸۷، در کانون توجهات بین‌المللی و به خصوص حقوقدانان قرار گرفت.

یک سال پس از گزارش نهایی برونتلند، مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تصویب کرد و خواستار تشکیل کنفرانسی در مقر سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه شد و در نهایت پس از دو سال بررسی مداوم و اظهارات بحث‌برانگیز در این خصوص، کنفرانس موردنظر در ژوئن ۱۹۹۲ در بیستمین سالگرد کنفرانس استکهلم در مورد محیط‌زیست در ریودوژانیرو برگزار شد. ثمره این کنفرانس، طرح مجدد و تأکید بر مفهوم «توسعه پایدار» در قلمرو حقوق بین‌الملل بود. مفهومی که گرچه از همان آغاز حرف‌و‌حدیث‌هایی را به همراه داشته، اما از آنجا که در کانون پیوند میان مباحث اقتصادی، دغدغه‌های محیط‌زیستی و اصول بنیادین حقوق بشر قرار دارد، نیازمند تأملی جدی است و حقوق بین‌الملل معاصر نمی‌تواند نسبت به مبانی نظری آن یا تجلی آن در رویه بین‌المللی بی‌تفاوت باشد (شمسایی، ۱۳۸۵: ۱۱).

اصل ضرورت حفاظت از محیط‌زیست: اصل ضرورت یکی از بنیادی‌ترین اصول پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است و براساس همین تکلیف هم است که کشورها به تعریف رفتار مجرمانه نسبت به محیط‌زیست می‌پردازند که پیدایش این اصل هم در اختلاف محیط‌زیستی که بین کشور مجارستان و اسلوکی بود شکل گرفت و به عنوان یکی از اصول محیط‌زیست پذیرفته شد (پورهاشمی، ۱۳۹۲: ۶۸).

1. Gerhallm Bruntland.

2.. Alan Boyle



اصل احتیاطی: اصل احتیاطی^۱ از اصول مهمی است که در پرتو حقوق بین‌الملل محیط‌زیست توسعه یافته و یکی از پایه‌های مهم بازدارندگی محسوب می‌شود. این اصل به این معنی است که اگر مضرات و آسیب‌های ناشی از یک اقدام یا سیاست دولت هنوز به صورت علمی اثبات نشده است، در صورت بروز خسارت یا آسیب، اصل بر مسئولیت اقدام‌کننده است و این دولت یا شخص اقدام‌کننده است که باید اثبات کند اقدامات او مضر نبوده است. هر چند ردپای اصل بازدارندگی^۲ در معاهدات زیست‌محیطی و دیگر اسناد بین‌الملل حداقل از دهه ۱۹۳۰ میلادی قابل‌ردیابی است؛ اصل احتیاطی مقوله‌ای است که از سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ در تعدادی از اسناد حقوق نرم و متعاقب آن در پاره‌ای از اسناد حقوق سخت متجلی شد (سندز^۳، ۲۰۰۳: ۲۶۷). ظهور این اصل در حقوق داخلی کشورها سابقه طولانی‌تری دارد، به گونه‌ای که این مفهوم برای اولین بار در مقررات مربوط به محیط‌زیست آلمان و بانام Vorosoge Prinzip وضع و اعمال شد و به تدریج در حقوق داخلی سایر کشورها رسوخ کرد.

اصل اطلاع‌رسانی: اصل اطلاع‌رسانی به این مفهوم است که باید دیگر کشورها را در صورت فجایع و حوادث طبیعی و موارد دیگر که براساس آن آثار سوء بر محیط‌زیست به بار می‌آید، آگاه کنند که این اصل همچون اصل ضرورت در پی اختلاف کشور فرانسه و اسپانیا در زمینه احداث تأسیسات صنعتی و برقی به وجود آمد که این مورد هم یکی از مهم‌ترین آرای بین‌المللی است که در استواری اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین تأکید دارد (دادپار، ۱۳۸۹: ۱۳۶). همچنین، در اصل ۱۹ اعلامیه ریو آمده است که دولت‌ها باید امکان به خطر افتادن دولت‌های دیگر را قبلاً به آن‌ها اطلاع دهد (ماده ۱۹ اعلامیه ریو).

اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین: یکی دیگر از اصول پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، اصل استفاده غیر زیان‌بار از محیط‌زیست است. این اصل به این نکته تأکید دارد که دولت‌ها در ارتباط با همدیگر چگونه از منابع سرزمینی استفاده کنند که علاوه بر تثبیت قاعده مالکیت خصوصی استفاده از سرزمین در راستای اهداف استفاده همگانی از این محیط‌زیست باشند و به همین خاطر مفهوم توسعه پایدار در چهارچوب قواعد محیط‌زیست

1. Precautionary Principle
2. Prevention Principle
3. Sands

بین‌الملل شکل گرفت در دو اعلامیه استکهلم و ریو تأکید می‌شود که دولت‌ها علاوه بر خود بلکه بر نهادهای زیرمجموعه خود اعم از خصوصی و عمومی که باعث ضرر و زیان بر محیط‌زیست شوند مسئول هستند که این موضوع یکی از موارد بسیار مهم برای جلوگیری از آلودگی‌های فرامرزی است. هرچند که در مبانی فقهی که برگرفته از آیات و روایات است دو اصل لاضرر و تسلیط مؤید این امر است که هرچند دولت‌ها و افراد بر اموال و دارایی‌های خود مسلط هستند و می‌توانند رفتار مالکانه داشته باشند، اما این قاعده باید خود را در زیرمجموعه قاعده لاضرر تعریف کند و هرگاه هم این دو اصل در تزامن باهم باشند، برای رفع این اختلاف و تعارض، قاعده لاضرر را ملاک قرار می‌دهند؛ زیرا حدود قاعده تسلیط براساس قاعده لاضرر تعیین و مشخص می‌شود (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۵۴).

قاعده فوق از حقوق بین‌الملل اقتباس شده و تحت عنوان «اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین» شناخته می‌شود. مطابق این اصل، هر دولت متعهد است به نحوی عمل کند که فعالیت‌های انجام شده در سرزمین خود، زیان به دولت دیگر یا جایی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست، وارد نیابد. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل از مقام و منزلت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. طرح این موضوع از چند جهت حائز اهمیت است: اول اینکه استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و ثانیاً این اصل به سبب رابطه‌ای که با سایر اصول حقوق بین‌الملل دارد، موجب تحکیم و تقویت روابط دوستانه مابین تابعان اصلی حقوق بین‌الملل می‌شود و در نهایت این اصل به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از محیط‌زیست بازی می‌کند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۶: ۵۹).

مطابق اصل استفاده غیر زیان‌بار، هر دولت متعهد است به نحوی عمل کند که فعالیت‌های انجام شده در سرزمین خود، موجب زیان به دولت دیگری یا جایی که تحت حاکمیت هیچ دولتی نیست، نشود. اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین در حقوق بین‌الملل از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چراکه استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین یکی از اصول کلی حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود. این اصل با سایر اصول حقوق بین‌الملل ارتباط نزدیکی دارد که موجب تحکیم و تقویت رابطه دوستانه مابین تابعان اصلی حقوق بین‌الملل می‌شود. در نهایت،



این اصل به عنوان یکی از اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، نقش تعیین‌کننده‌ای در حفاظت از محیط‌زیست بازی می‌کند.

مسئولیت کیفری دولت

مسئولیت بین‌المللی زمانی تحقق پیدا می‌کند (صرف‌نظر از عنصر روانی) که بتوان رابطه سببیت را مشخص کرد تا از این طریق زیان‌های مادی و معنوی را بتوان استیفا کرد و این رابطه سببیت این‌گونه تعریف می‌شود که اگر خسارت ناشی از یک فعل نامشروع یا ترک فعل مشروع رخ دهد، بتوان خسارت را وصول کرد. از این‌رو، اگر دولتی در پی این باشد که دولتی دیگر را به آلودگی‌های فرامرزی متهم کند، باید رابطه سببیت را به اثبات برساند. از همین سو، باید اثبات کند که این عمل زیان‌بار منتسب به دولت خوانده است و باید سه عامل را برای تحقق این زیان مشخص کند؛ نقض یک تعهد بین‌المللی، رابطه سببیت بین عمل انجام‌شده و خسارت و ورود خسارت مادی.

در این صورت حتی اگر بتوان مسئولیتی برای دولت‌ها قائل شد، باید در نتیجه نقض یک قرارداد بین‌المللی باشد که همین موضوع در شکل‌گیری اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین تأثیر داشته است که براساس همین اصل، دولت‌ها وظیفه انجام فعل یا عدم انجام فعلی را دارند که براساس آن باعث جلوگیری از به وجود آمدن خسارات برون‌مرزی خواهد شد و همچنین در داوری تریل اسملتر (۱۹۳۸)، اصل مزبور را در رویه قضایی محیط‌زیست بین‌الملل وارد کرده است که براساس آن محکمه، کانادا را برای زیان‌هایی که به اموالی در ایالت متحد آمریکا وارد آورده بودند محکوم کرد و اظهار داشت که هیچ دولتی حق بهره‌برداری از سرزمین را به‌گونه‌ای نخواهد داشت که باعث زیان‌های فرا سرزمینی به کشورهای دیگر شود که در این صورت دولت‌هایی که استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین خود را داشته‌اند، مسئول خواهند بود.

انتساب عمل: در رویه‌های قضایی اصلی وجود دارد که وقتی دولت‌ها در یک تعهد بین‌المللی قرار گرفتند باید به آن ملزم باشند همان‌طور که اصل ۷۷ قانون اساسی و ماده ۹ قانونی مدنی هم بر آن تأکید دارد و مقرر می‌دارد که «مقررات عهدی که طبق قانون اساسی

بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است» و در صورت نقض آن مسئول است و در قالب همین معاهدات ممکن است دولت‌ها مکلف به فعل یا ترک فعلی شده باشند که در صورت نقض این تکلیف در صورتی که زیان به وجود آید، مسئول می‌باشند؛ مثلاً وقتی که دولت‌ها با پیوستن به معاهده‌ای که آن‌ها را ملزم می‌کند، برخی از رفتارها را باید در قواعد خود جرم‌انگاری کنند و در صورت عدم انجام این امر، بخش خصوصی یا خود دولت با انجام فعالیت‌هایی موجب زیان به محیط زیست و آلودگی‌های فرامرزی شوند، در این صورت امکان دارد عامل آلوده‌کننده را به دولت به دلیل رعایت نکردن جنبه‌های احتیاطی و نقض قواعد نسبت دهند (فرشا سعید و عیسی زاده، ۱۳۹۴: ۱۰). نباید فراموش کرد که غالب صدمات ناشی از ریزگردها در زمره جرائم غیر عمدی می‌باشند و نیازی به اثبات سوءنیت مرتکبان که غالباً دولت‌ها می‌باشند نیست.

جایگاه مسئولیت کیفری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل: دیوان کیفری بین‌الملل می‌تواند نسبت به هر دولتی که ناقض یکی از فعل یا ترک فعل‌هایی که شامل چهار جنایت مندرج در ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی باشد، برای آن ضمانت اجرا و صلاحیت خود را اعمال کند و در همین راستا در حقوق بین‌الملل کیفری، اصل فردی بودن را پذیرفته‌اند که به عنوان یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های حقوق بین‌الملل است. از همین رو، اگر دولت‌ها به خاطر جایگاه حاکمیتی که دارند در صورتی که تعهدی را پذیرفته باشند و خلاف آن عمل کنند، مسئولیت خواهند داشت و حقوق بین‌الملل عمومی چهارچوب و روش‌های که برای برخورد با این رفتارهای ناقض تعهدات مرتکب می‌شوند در قالب معاهدات گوناگون پیش‌بینی کرده است (شاه، ۱۳۹۴: ۲۸).

همچنین، وقتی که در مباحث حقوق جزا، بر فرض مثال، در جرائم علیه اشخاص، فردی مسئول تشخیص داده شود، باید عناصر تشکیل‌دهنده جرم که شامل عنصر قانونی، مادی و روانی است محرز شود تا فرد شایسته تحمل مجازات باشد. در حیطه بین‌الملل نیز وقتی که دولت به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی کشور از طریق کارگزاران خود که شامل نمایندگان مجلس و سایر زیرمجموعه‌های خود مرتکب رفتاری شوند که بتوان براساس ارکان مسئولیت کیفری یعنی وجود یک معاهده و نقض آن، وجود رابطه سببیت محرز شود،



می‌توان مجازات را علیه دولت اعمال کرد؛ هرچند که یکی از عوامل بسیار مهمی که دولت‌ها دست به اعمال مجرمانه در سطح بین‌الملل می‌زنند، نبود یک مکانیسم یکپارچه و منسجم در سطح بین‌الملل است.

مفهوم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حوزه آلودگی‌های محیط‌زیست

در مسائل محیط‌زیستی، بین‌الملل نیازمند یک نگاه و تلاش جدید است هرچند که این موضوعات محیط‌زیستی موضوعات جدیدی نیستند و اغلب این موضوعات به معاهدات بین‌المللی منعقد می‌شوند. اما باید این معاهدات به قدرت الزام‌آوری برای جلوگیری از خسارات بین‌المللی تبدیل شود. معاهدات در واقع باید به گونه‌ای اجرا شود که در صورت لطمه به حقوق جوامع، عهده‌دار مسئولیت خود باشد و براساس چنین مسئولیتی، روابط بین‌المللی برای جلوگیری از زیان‌های محیط‌زیستی به وجود آید و در این مسئولیت؛ نظرات متفاوتی وجود دارد که برای مسئول شناختن دولت‌ها و ناقض عهدنامه‌ها، صرف تقصیر کافی است یا باید ثابت هم شود با اختلاف نظرهایی که در این زمینه وجود دارد به این نتیجه می‌رسد که مسئولیت زمانی به کشورها منتسب می‌شود که اشخاص مؤثر جامعه، آن عمل را انجام داده باشند و اجرای این مسئولیت مستلزم نقض حقوق بین‌المللی است که لازم است که در سطح بین‌المللی عملی برخلاف قرارداد بین‌المللی شکل بگیرد.

مسئولیت دولت از نقطه نظر اعمال حاکمیت: در زمینه مسئولیت کیفری دولت‌ها در اعمال حاکمیت و مسئول شناختن این نهاد حقوقی، چالش‌های متعددی وجود دارد که باعث مصون ماندن دولت از تعقیب می‌شود. قانون‌گذار ایران در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت اشخاص حقوقی را مستقیم از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته است و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت اجرای مختلفی را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است. اما در تبصره این ماده، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در مقام اعمال حاکمیت از شمول ضمانت اجرای ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مستثنا کرده است. از آنجا که دولت مهم‌ترین مخرب و آلوده‌کننده زیست‌محیطی است، ضروری است تا دولت به‌عنوان برجسته‌ترین شخص حقوقی دارای مسئولیت فرض شود. در ماده یادشده گفته شده است

که شخص حقوقی در صورت مسئولیت براساس ماده ۱۴۳ همان قانون با توجه به شدت جرم و نتایج زیان‌بار آن به ضمانت اجرایی که در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی است، محکوم می‌شود. اما با وضعیت تبصره‌های این ماده، قانون‌گذار از اعمال مجازات دولت در جرائم محیط‌زیستی که هم از شدت بالایی برخوردار است و هم زیان‌های غیرقابل جبرانی دارد، چشم‌پوشی کرده است.

دولت به عنوان مهم‌ترین و بارزترین شخص حقوقی است و چنانچه یک جرم زیست‌محیطی مرتکب شود، در واقع مسئول رفتار خود است و طبق هیچ اصول و ضوابطی توجیه‌پذیر نیست که اقدام یک شخص در آلوده کردن محیط‌زیست مجرمانه باشد، اما اقدامات دولت از روی مصلحت و منافع عمومی تلقی شود. اقدامات دولت آنجا مشروعیت دارد که در راستای منافع عمومی و منطبق با قانون اساسی است و از آنجا که اصل ۵۰ قانون اساسی، کلیه فعالیت‌های مخرب و آلوده‌کننده محیط‌زیست را ممنوع اعلام کرده است و در برخی اصول، قانون اساسی به مساوات برای همگان در برابر قانون اشاره شده است. بنابراین، مسئولیت کیفری دولت‌ها هم امری ضروری است و در عصر امروز، قدرت مصونیت نمی‌آورد؛ بلکه قدرت وسیله‌ای است برای خدمت‌رسانی در جهت منافع عمومی (حاجی‌وند و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰).

مسئولیت دولت در اعمال تصدی‌گری: با توجه به مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۰ ق.م. اسلامی، اشخاص حقوقی دولتی یا عمومی غیردولتی در مواردی که به کار تصدی‌گری مشغول‌اند از قبیل تصدی در امور صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل و به‌طور کلی امور اقتصادی، در صورت اجتماع سایر شروط خصوصاً رفتار موجد مسئولیت از لحاظ کیفری مسئول هستند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۶۵).

در حال حاضر، در حقوق کیفری ایران مسئولیت کیفری دولت‌ها در اعمال تصدی‌گری به رسمیت شناخته شده است و چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارد شده احراز شود، دیه و خسارت قابل مطالبه خواهد بود و اعمال مجازات تعزیری بر اشخاص حقوقی مطابق ماده ۲۰ تعیین می‌شود (تبصره ماده ۱۴ ق.م.ا). به عنوان مثال، در ماده ۶۸۸ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، اعمالی مثل آلوده کردن آب آشامیدنی یا استفاده کردن غیرمجاز از فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه فاضلاب برای مصارف کشاورزی جرم‌انگاری



شده است و مرتکب چنانچه طبق قواعد خاص، مجازات شدیدتری نباشد، به حبس تا یک سال محکوم می‌شود. به فرض اینکه کارخانه دولتی، مواد مسموم‌کننده خود را بدون دفن کردن بهداشتی در رودخانه می‌ریزد، با توجه به اینکه کارخانه دولتی شخصیت حقوقی مستقلی دارد، مسئولیت کیفری خواهد داشت. چنانچه افرادی در پایین دست رودخانه دچار ضرر و زیاده شود، مثلاً گوسفندان از این آب آشامیدنی استفاده کنند و از بین بروند، از باب مسئولیت مدنی باید ضرر و زیان جبران شود (بوگری، ۱۳۹۵: ۳۳).

غالب کشورهای و از جمله جمهوری اسلامی ایران با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در اساسنامه مخالفت کردند. نظر هیئت نمایندگان ایران در نفی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، بدین گونه اعلام شد: «به نظر، مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی نباید براساس نام آورده شود»؛ زیرا مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی متضمن مشکلات فراوانی از حیث مفهوم، دلیل، اجرا و غیره خواهد داشت. لذا حقوق داخلی بسیاری از کشورها، مفهوم مسئولیت اشخاص حقوقی را نمی‌شناختند و اگر در اساسنامه آورده شود، ممکن است بسیاری از دولت‌ها اساسنامه را نپذیرد. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی موضوع قابل بحث است، اما در شرایط فعلی با وجود اختلاف بسیار و کمبود وقت و اختلاف تفاسیر، اعتقاد بر این است که اساسنامه باید به رسمیت کیفری اشخاص حقیقی اکتفا کند. در نهایت، ماده ۲۵ اساسنامه، صلاحیت دیوان نسبت به اشخاص حقوقی را نفی کرد (شریعت باقری، ۱۳۹۱: ۳۸).

اسناد، مقررات و کنسیون‌های بین‌المللی در حوزه ریزگردها

مسئله آلودگی فرامرزی در اواسط قرن بیستم رشد یافت که این قضیه باعث شد برای مقابله با اثرات زیان‌بار باران‌های اسیدی اسکاندیناوی، اولین کنوانسیون منطقه‌ای به عنوان کنوانسیون حفاظت از هوای پاک در سال ۱۹۷۹ به تصویب برسد که یکی از اساسی‌ترین موفقیت‌های دولت در زمینه مبارزه حقوقی با آلودگی هوا در زمینه بین‌المللی است (عبدالهی، ۱۳۸۸: ۵).

با بررسی معاهدات و پروتکل‌ها، علاوه بر عوامل فرامرزی همچون طوفان شن، نمی‌توان تأثیر عوامل انسانی را بر آلودگی محیط زیستی بدون تأثیر دانست که با بررسی عوامل انسانی

در کنار عوامل طبیعی، تأثیر این گونه فعالیت‌ها را بیشتر می‌توان در آلودگی محیط‌زیست ملاحظه کرد (اردبیلی، ۱۳۸۹: ۲۱).

در زمینه فرامرزی یکی از عوامل بسیار مهم گردوغبار، فرسایش زمین است که در اثر بادهای موسومی در بیابان‌ها رخ می‌دهد که در سال‌های اخیر به علت تشدید این پدیده بیشتر مورد شناسایی و بررسی قرار گرفته است که تأثیر منفی و مخربی بر کشاورزی و سلامت انسان‌ها گذاشته است (سوزوکی^۱، ۲۰۰۳: ۱۳).

کنوانسیون مبارزه با بیابان‌زایی^۲: جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۱/۱۰/۱۳۷۵، الحاق ایران به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با بیابان‌زایی را تصویب کرد. این کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ در اجلاس ریودزانیو برزیل تصویب شد، از اهداف اصلی این کنوانسیون، همکاری مشترک در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با بیابان‌زایی است که این مشارکت باید در تمامی بخش‌ها اعم از دولتی و خصوصی، همچنین در وزارت کشاورزی است که یکی از وظایف آن‌ها، برنامه‌ریزی در مورد چهارچوب مناسب در زمینه کلان برای مقابله با بیابان‌زایی است. اجرای این کنوانسیون می‌تواند عاملی مهم برای کنترل بحران ریزگردها باشد، هرچند که کشور ایران هم در این کنوانسیون مسئولیت شبکه موضوعی و مدیریت شن‌ها را به عهده دارد که از اهداف آن، ایجاد شرایط مناسب برای بهره‌برداری هر چه بهتر با توجه به پتانسیل‌ها اقتصادی و اجتماعی برای حفظ مراتع و فرآورده‌های دامی است (ورشوساز و مبارک حسن، ۱۳۹۰: ۶).

نقش دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی

پیچیدگی مفهوم دولت، آشکارا تفاوت بین افراد حقوق خصوصی و حقوق عمومی را بیان می‌کند؛ چراکه زبان‌های وارده توسط دولت به افراد، به لحاظ جنبه حاکمیتی و حمایتی، از شهروندان قطعاً وسیع‌تر خواهد بود. اما این واژه به دلیل کلیت مفهوم آن، دارای معانی متعددی در حوزه‌های مختلف است و دارای آنچنان اختلاطی با مفاهیمی چون حقوق است

1. Suzuki

2. Convention to Combat Desertification



که برخی معتقدند نمی‌توان تقدم و تأخری بین حقوق و دولت در نظر گرفت و در قواعد به اعتبار جامعیت و وسعت یا محدودیت اقتدارات حاکمیت، در معانی و مفاهیم متفاوتی به کار رفته است. «دولت در لغت به معنای گذشتن از حالی به حالی که بر مملکت حکومت می‌کنند، مملکت و قوه مجریه است» (معین، ۱۳۸۸).

شناختن شخصیت حقوقی برای دولت و سازمان‌های عمومی در واقع جدا کردن شخصیت آن‌ها از شخصیت حقوقی هیئت حاکمه و مأموران آن‌ها و اعتبار بخشیدن به استمرار و مفهوم تجریدی سازمان‌هاست. وجود شخصیت حقوقی دولت، امری بدیهی و انکارناپذیر است و دولت نه تنها بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی حقوق عمومی، بلکه بزرگ‌ترین شخصیت حقوقی هر کشور است، اما نکته جالب اینجاست که معمولاً در متون قانونی به این امر تصریح نشده است و شاید جزء بدیهیات حقوقی محسوب می‌شود (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۹: ۱۰۸). فرآیند توسعه اقتصادی کشورها طی دهه‌های اخیر به گونه‌ای بوده که چالش‌های محیط زیستی به یک‌بار به مهم‌ترین دغدغه سیاست‌گذاران تبدیل شده است. مواجهه با این موضوع در گام اول، مستلزم شناسایی منابع عمده ایجاد آلودگی است. بنگاه‌های اقتصادی دولتی نیز می‌تواند به موازات بخش خصوصی به عنوان یک منبع ایجاد آلودگی شناخته شود. این وضعیت در اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه که دولت‌ها حجم قابل توجهی از تصدی‌گری فعالیت‌های اقتصادی را در اختیار دارند، مشاهده می‌شود (مرادحاصل و مزینی، ۱۳۸۷: ۱۶). این بحث از این حیث قابل تأمل است که دولت‌ها از یک‌سو، منشأ ایجاد آلودگی می‌باشند و از سوی دیگر بنا به وظایف حاکمیتی خود، مسئولیت حفاظت از محیط زیست را بر عهده دارند.

آلودگی‌های محیط زیستی از جراثمی است که نه تنها عوامل داخل یک کشور در آن نقش دارند، بلکه گاهی اوقات نقش عوامل دارای اهمیت زیادی است. یکی از این آلودگی‌ها، ریزگردهایی است که منشأ آن از بیابان‌های کشور عراق است که به وسیله بادها به سمت استان‌های مرزی مخصوصاً خوزستان آورده می‌شوند. از عوارض ناشی از ریزگردها آلودگی هوا است. آلودگی هوا اگرچه برای همه افراد و در همه سنین، پدیده‌ای مضر و بیماری‌زا است، اما طیف وسیعی از افراد از جمله سالمندان، خانم‌های باردار، کودکان و افراد بیمار،

آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به آن دارند. بیشتر آسیب‌های ناشی از آلودگی هوا مربوط به سیستم تنفسی و ریه‌ها، سیستم ایمنی، قلب و همچنین سیستم بینایی افراد می‌شود. در بررسی مواد و ذرات آلوده‌کننده هوا، گردوغبار و ریزگردها بخش مهمی را به خود اختصاص می‌دهند (شاکریان، ۱۳۸۹).

این دو نوع مبنای مسئولیت شامل «مسئولیت مبتنی بر تقصیر» و «مسئولیت عینی یا نظریه خطر» است. در نظریه مبتنی بر تقصیر، انجام عمل یا خودداری از انجام عملی که مخالف مقررات بین‌المللی باشد، کافی نیست، بلکه وجود تقصیر از جانب کشور مسئول شرط است. اگرچه این نظریه، پایه و اساس آراء زیادی در قرن نوزدهم و بیستم بوده، ولی از آنجایی که روابط بین‌المللی و پیشرفت فناوری، در بسیاری از موارد اثبات خطای دولت را غیرممکن ساخته است. لذا به نظر می‌رسد اعمال نظریه تقصیر، منجر به عدم جبران خسارت محیط زیستی می‌شود. لذا در شرایطی که هنوز جامعه جهانی فاقد سازمانی واحد و کارآمد در زمینه مدیریت و حفاظت محیط زیستی است، صحیح آن است که دامنه اجرای این عامل محدود شود. این‌گونه اشکالات، بسیاری از محققان را به این سمت سوق داده است که معیار «مسئولیت محض» را برای موضوع آلودگی‌های فرامرزی ارائه کنند. مسئولیت محض، بعد از وقوع یک حادثه زیان‌بار عمده به‌طور خود به خود، مسئولیت جبران خسارت را بر کشور عامل آلودگی الزام می‌کند (زمانی، ۱۳۸۱: ۳۷).

نتیجه‌گیری

امروزه با شیوع و گسترگی پدیده ریزگردها در کشورهای حوزه خلیج فارس خصوصاً کشور ایران و مناطق غربی و جنوب غربی این کشور که اکثراً ناشی از گردوغبار بیابان‌های کشورهای همسایه و در برخی موارد ناشی از استفاده از سلاح‌های ناشناخته و نامتعارف کشورهای غربی در عراق است که خود موجب آلودگی هوا، انواع بیماری‌ها و مرگ‌ومیر انسان‌ها و حیوانات بسیار زیادی در این مناطق شده است و جالب اینکه تاکنون هیچ شخص، کشور یا دولتی خود را مسئول این معضل ندانسته و هیچ‌گونه راهکار و تلاشی در زمینه از بین بردن این پدیده اندیشیده نشده است. هرچند که در قواعد جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در تبصره ماده



۱۴ قانون مجازات اسلامی، قانون‌گذار مقرر می‌دارد چنانچه رابطه علیت بین رفتار شخص حقوقی و خسارت وارده محرز نشود، دیه و خسارت قابل مطالبه است و همچنین اشخاص حقوقی را براساس ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مجازات می‌کند، اما همین قانون با یک استثنا مواجهه است که دولت را در زمینه اقدامات ناشی از اعمال حاکمیت مسئول نمی‌داند، اعمال حاکمیت عملی است که دولت از نقطه نظر قدرت عمومی خود آن را انجام می‌دهد، مانند اقدامات دفاعی و نظامی.

در زمینه بین‌المللی زمانی می‌توان دولت را مسئول دانست که یک قاعده حقوق بین‌المللی مورد تجاوز قرار گرفته باشد. لذا لازم است که در سطح بین‌المللی عمل نامشروعی صورت گرفته باشد. چنانچه بین صدمه ناشی از ریزگردها و رفتار دولت (اعم از فعل یا ترک فعل) در ایجاد، تشدید یا عدم ممانعت از ایجاد یا کاهش ریزگردها رابطه سببیت وجود داشته باشد دولت مسئول است؛ بدین معنی که دو رابطه سببیت وجود دارد: یکی بین صدمه و ریزگرد و رابطه دوم بین ریزگرد و رفتار دولت. اگر هر دو وجود داشته باشد جرم مستند به دولت است؛ به شرط اینکه رابطه سببیت توسط عامل دیگری قطع نشود. مثلاً رفتار عمدی مجنی علیه مانند اینکه شخصی عمداً، وارد یک محیط ممنوعه صنعتی که دارای آلودگی‌های بسیار مضر یا اشعه‌های خطرناک مثل رادیواکتیو و غیره است، می‌شود یا عدم توجه به اخطارهای دولت مانند اینکه دولت اعلام می‌کند که منطقه‌ای دارای ریزگرد یا مواد مضر است و ساکنان باید ظرف ۲۴ ساعت منطقه را ترک کنند که در اینجا نیز مطابق هشدار قبلی دولت می‌توان قائل به عدم مسئولیت دولت شد.

منابع

- اردبیلی، لیلا (۱۳۸۹)، بررسی فرآیندهای موثر در تشدید گرد و غبار سال‌های اخیر ایران، دومین همایش فرسایش بادی و طوفان‌های گرد و غبار، دانشگاه یزد.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ بیست و هشتم، تهران: نشر میزان.
- امامی، محمد و استوارسنگری، کوروش (۱۳۸۹)، حقوق اداری، تهران: میزان، جلد اول.
- بوگری، نادر (۱۳۹۵)، مسئولیت کیفری دولت در آلودگی‌های زیست‌محیطی، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ششم.
- پورهاشمی، سید عباس (۱۳۹۲)، بررسی جایگاه اصل همکاری در حقوق بین‌الملل محیط زیست، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۳۹.
- حاجی‌وند، امین؛ میرکمالی، علیرضا و صفری، فرشید (۱۳۹۷)، مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها، فصل‌نامه محیط زیستی، شماره ۱۶.
- حیدرزاده، طاهر و جمالی، حمیدرضا و غلامی، محمد (۱۳۹۶)، بررسی حقوقی افزایش پدیده ریزگردها در ایران و کشورهای همسایه (با تأکید بر کشور عراق)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هشتم، شماره ۳۲.
- خالدی، کوهسار (۱۳۹۲)، زیان‌های اقتصادی طوفان گرد و غبار بر استان‌های غربی ایران، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال هفتم، شماره ۳.
- دادیار، عقیده (۱۳۸۹)، رویه بین‌المللی حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی با تأکید بر قضیه گاجیکو ناگیماروس، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۶)، نگاهی به اصل استفاده غیر زیانبار (پایدار) از سرزمین در حقوق بین‌الملل محیط زیست، نشریه علوم محیطی، سال ۴، شماره ۴.
- رنجبر، حسین (۱۳۹۶)، مسئولیت کیفری نیابتی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.



- زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۱)، توسعه مسئولیت بین‌المللی در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول، شماره ۴.
- شاکریان، نوشین و زهتانیان، غلامرضا (۱۳۸۹)، تأثیر ریزگردها و آلودگی ناشی از آن بر سلامت انسان، دومین همایش ملی فرسایش بادی.
- شاو، مالکوم ناتان (۱۳۹۴)، حقوق بین‌الملل: مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، تهران: نشر خرسندی.
- شایان، سیاوش (۱۳۸۴). فرهنگ اصطلاحات جغرافیای طبیعی، تهران: مدرسه.
- شریعت‌باقری، محمدجواد (۱۳۹۱)، حقوق کیفری بین‌المللی، چاپ سیزدهم، تهران: نشر نور.
- شمسایی، محمد (۱۳۸۵)، حقوق بین‌الملل اقتصادی و اصل توسعه پایدار، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۹، صص ۱۰-۱۲.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ق). مجمع‌البحرین، جلد ششم، چاپ سوم، تهران. انتشارات اسلامی.
- فرشاسعید پرویز، عیسی زاده مه‌لقا (۱۳۹۴)، مسوولیت بین‌المللی دولتها در پیشگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی‌های فرامرزی، کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم کشاورزی و محیط زیست
- عبدالمهی، محسن (۱۳۸۸)، حقوق حفاظت از هوا، تهران: جزوه درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- مرادحاصل، نیلوفر و مزینی، نیلوفر (۱۳۸۷)، ارزیابی نقش دولت در چالش‌های زیست‌محیطی ایران (رویکرد اقتصاد محیط زیست)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، تهران، شماره ۴.
- مسعودنیا، حسین و محمدی‌فر، نجات (۱۳۹۷)، دولت و جامعه مدنی در ایران (چالش‌ها و راهکارها)، تهران: مؤسسه انتشاراتی کتاب دانشجو.
- موسوی، فضل‌اله؛ حسینی، سیدحسین و موسوی‌فر، سیدحسین (۱۳۹۴)، اصل حقوق بین‌المللی محیط زیست در پرتو آرای مراجع حقوق بین‌المللی، شماره ۴۸.

- معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، تک‌جلدی، چاپ چهارم، تهران: نشر زرین.
- ورشوساز، کتایون و الهام مبارک حسن (۱۳۹۰)، کنوانسیون بین‌المللی بیابان‌زدایی و مقابله با اثرات خشکسالی، همایش ملی بوم‌های بیابانی، گردشگری و هنرهای محیطی، نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)؛ نظریه‌های دولت؛ ترجمه‌ی حسین بشریه، تهران، نشر نی، چاپ اول.

منابع لاتین

- Alan Boyle (2001), «Codification of International Environmental Law and the International Law Commission, Injurious Consequences Revisited», in International Law and Sustainable Development, Alan Boyle and David Freestone (eds.), New York, Oxford University Press, 2001.
- Sands, Philipp, e Principles of International Environmental Law, (2003), Second Edition, Cambridge University Press.
- Suzuki, Katsunori, (2003). Sustainable and Environmentally Sound Land Use in Rural Areas with Special Attention to Land Degradation, Asia-Pacific forum for environment and development.